

آنهايي که بيرون گود هستند و ميگويند لنگش کن

داوود رضوي

پنجشنبه چهارم مهر ۱۳۸۷

چند روز پيش مطلبي از آقاي محسن حقيقي در بعضي سايتها آمد که موضوع ان نقد مصاحبه من و آقاي ابراهيم مددي نايب رئيس سندیکاى شرکت واحد اتوبو سرانى بود.

ولى هر بيننده اى که اين مطلب را مطالعه کرده باشد متوجه خواهد شد که نقد بهانه اى بيشتر نيست و هدف کمرنگ کردن تاثيرات مبارزه سندیکاى شرکت واحد و درکليت تشکل يابى مستقل در ايران است در اين دوره از مبارزات کارگرى است.

اينکه آقاي حقيقي تازه يادش افتاده بعد از ماهها از گذشت آن مصاحبه به نقد آن بپردازد جاى سوال فراوانى دارد چرا که اخيرا ما هم از طرف ادارات کار استان تهران، و ديوان عدالت ادارى احکام غير عادلانه اى دريافت کرده و همواره از سوي دادگاه انقلاب همچنان در راهروها برو بيا داريم و فقط مانده بود که امثال حقيقي در يندوره به ما حمله کنند.

ولى هر خواننده اى که دستى بر آتش مبارزه کارگرى در ايران داشته باشد ميداند که آن مصاحبه در غالبى يک جانبه بوده است و نبود امکان رسانه هاى آزاد راه هر نوع ابراز نظرى آزاد و دوجانبه بسته است و اين نوع مناظرات مشکلات فنى و نظرى خاص خودش را دارد. که در زير به آن هم خواهيم پرداخت. ولى بحث اساسى آنجا است که آيا امکان به وجود آمدن سندیکا و نهاد کارگرى مستقل در ايران هست يا نه؟ معلوم است اگر بدست آنها که بيرون گود هستند مثل آقاي حقيقي بسپاريم نه تنها بوجود نخواهد آمد بلکه مانند کميته هماهنگى از بين خواهد رفت. شانس آورديم که ايشان در سندیکاى ما نبود که اگر اعضاى هيئت مديره سندیکا واحد به فرامين ايشان عمل نميکردند يا اخراج ميشدند يا تبعيد.

بقول قديميها ده روز کار عملى بهتر از ده سال کار نظرى است. آقاي حقيقي اگر واقعا به مسائل کارگرى اعتقاد دارند که بنظر نماييد چون نظراتش هم مانند کارهايش بيشتر ترجمه است تا نوع آورى. در جامعه اى که ميليونها انسان دنبال آن هستند که نيروى کارشان را بفروشند و خريدار نيست معلوم نيست شما چطور مزدش را ميخواهيد لغوکنيد. در جامعه اى که مردم بايد دو تا سه کار داشته باشند اين حرفها يعنى چه؟ بجای آدرس دادن ما که بايد دنبال نهادهاى مثل سازمان لغو کارمزدى ايشان برويم که معلوم نيست که به اجرا در آورندگان از کره مريخ بايد به ايران بيايند يا نه، چرا از همان امکانات موجود حرکت نميکند، چرا نميخواهد پذيرد که کار عملى سخت و پر هزينه است و شما و دوروبرى هياتان قادر به اين کار نيستند. سنگ بزرگ علامت نزدن است.

آقاي حقيقي چطور فعال کارگرى هستيد که مبارزه کارگران شرکت واحد را نه تنها قبول نداريد بلکه مضر جامعه کارگرى ميدانيد که از نظر من شما در اصل نظرات و همان منافع کارفرمايان را دنبال ميکنيد و اين در گفتار شما کاملا مشهود است. آنها هم به ما ميگويند وجود سندیکاى واحد بازدارنده نهادهاى دولتى است، و شما هم ميگويد وجود سندیکا بازدارنده نهادضد سرمايه دارى است. حالا بايد ببينيم چه کسانى نهاد ما را بايد ارزيباى کنند، دولت، شما يا اعضاى آن؟ سازمان ضد سرمايه دارى در کشورى که سى سال است خودش را ضد سرمايه دارى معرفى کرده است کدام صيغه اى

است دیگر؟ سندیکای واحد حداقل در چندسال گذشته مشخص گفته با دولت و شهرداری که کارفرما است درگیر بوده، شما حداقل یک جناح سرمایه داری در ایران را مشخص مورد حمله قرار دهید کلیت آن پیشکش اتان؟ چرا زمانیکه سرکوب گران کارگر که از عوامل اصلی خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار که به محل سندیکا با حمایت عوامل امنیتی و در حضور پلیس حمله کردند آیا شما چه کاری کردید. در این چند سال حمایت‌های بین المللی از سندیکا را چرا زیرسوال بردید و آنرا تخطئه کردید در صورتیکه شما خودتان درخفا با آنها کار میکردید. فقط همکاری‌های بین المللی برای دیگران حرام است ولی برای خودتان حلال است. در صحبت سرخ و در عمل زرد.

چرا نمی خواهید از خواب دگماتیسیم برخاسته و بپذیرد که اگر میلیونها کارگری که در ایران امروز از بی آیندگی و بی امنیتی شغلی و کاری در بحران اجتماعی و فقر هستند را فقط با تلاوت لغو کنندگان مزد نمیشود بوجود آورد. شما بجای مقایسه ایران با کشورهای غربی چرا نمیخواهد بپذیرد دوستانتان که با پول دولتهای رفاه و مالیات کارگران آن جوامع زندگی راحت میکنند و فقط در عالم نظر به پوچی، بحران و قطع امید از مبارزه واقعی رسیده اند چه ربطی به ما دارد. آش خودتان را میخورید وحلیم مثنی باقر را هم میزنید.

چرا هم نظرانتان در همان جوامع آزاد که شب به شب به خانه اشان نمیریزند، قبل از اعتصاب دستگیرشان نمیکند و یا بیکار نمیشوند و در بدترین حالت گرسنگی ندارند چرا نهادهای لغو کارمزدوری را درست نمیکند. آنها در آن جوامع حتی نمی دانند که سیستم حکومتی انجاها چیست و چه حزبی سر کار است. چون نیازشان نیست که خودشان به خیابان بیایند برای حفظ امنیت حقوق اجتماعی و نگه داشتن آن، دیگران آن کارها را برایشان میکنند ولی فقط فحش دادن به سندیکا را میدانند ولی نمیدانند که با فحش که سندیکا را از بین نمیرود.

شما بگوئید از زمان تشکیل کمیته هماهنگی تا بحال چقدر از لحاظ کمی و کیفی رشد کرده ای؟ تبدیل شده اید به نهاد بیانیه ها. بقول قدیمی ها یک سوزن به خود بزنید و یک جوال دوز به دیگران. برخلاف جریان شما امروز سندیکا واحد توانسته کار خودش را جلو ببرد نه بخاطر سندیکالیسم اش بوده و نه بخاطر ماجراجوی عده ای روشنفکر شکم سیر، بلکه مدیون فداکاری، پایداری و منافع طبقاتی اعضای اش بوده است. بسیار اتفاق افتاده که هیئت مدیره با هم و یا اعضا و هیئت مدیره با هم نظر متفاوت داشته اند ولی این به هیچ وجه منجر به انشعاب و دشنام و ترک مبارزه اشان نشده است. امروز جنبش کارگری نیاز به تنورسین ندارد، فقط باید یک سرسوزن به آنهمه حرفی که زده میشود، عمل شود که خودش کلی کار است. آیا دستگیری بیش از ۷۰۰ راننده شرکت واحد حاکی از تشکیلات قدرتمند سندیکای شرکت واحد نیست؟ آیا در ۸۴/۶/۱۶ چراغ روشن کردن ۹۸ درصد از رانندگان شرکت واحد حاکی از اتحاد منسجم و تشکیلاتی نیست آیا فریاد ۱۰ هزار راننده در استا دیوم ازادی نشانگر تلاش اعضای هیئت مدیره و فعالین سندیکائی نیست.

ما افتخار میکنیم که تا به امروز در راهروهای دادگاهها و ادارات کار مبارزه امان را ادامه داده ایم و تا به امروز هم وکلای ما بدون دریافت یکرئال کارشان را ادامه میدهند و از فعالیت‌هایمان هم دفاع میکنیم بر خلاف عمل شما. آری اگر ما هم فقط در ساینها مطلب مینوشتیم کسی کاری با ما نداشت و امروز کارگران شرکت واحد هیچ دستاوردی نداشتند ما با افتخار و غرور بخود میبایم که توانستیم با پایداری مقاومت و ایستاده گی لقمه نانی به سفره کارگران شرکت واحد بیاوریم و این خود انگیزه مهم در ادامه و پیگیری حقوق قمان است.

از قول من مینوسید که من گفته ام تشکل سندیکا به کارفرما کمک میکند. یادتان رفته است سندیکا نهاد صنفی است نه

تشکیلات انقلابی خوب معلوم است که در جامعه سرمایه داری یا حتی سوسیالیستی آن وجود نهاد صنفی یعنی رشد کلیت آن واحد کاری. تازمانی که نیروی کار بعنوان مزد خرید و فروش میشود این نهاد هست ولی با شعار که نمیشود به زندگی برابر رسید. دیگر این را هر کسی میداند که اگر کارگران کار شایسته، امنیت شغلی و زندگی در شان انسان داشته باشند. کارکنند که زندگی بکنند نه زندگی بکنند که کار کنند و در محیط کار نمایندگان آنها بدون فشار و دخالت دولت و کارفرما انتخاب شوند و از پائین شکل بگیرند قطعاً نمایندگان واقعی آنها با چانه زنی و دفاع از حقوقشان شرایط مطلوبی برای کارگرایان ایجاد میکنند و کارگر دیگر دلیلی ندارد که بی رقبتی به کار نشان بدهد و با تمام وجود دل به کار نهد اگر رضایت داشته باشد به کارش بهتر کار میکند چون میدانند سعادت فردی او سعادت اجتماعی را هم با خود به همراه میآورد، خود بخود سطح بهره وری کار بالا میرود و این فقط با بوجود آمدن سندیکاها و تشکل های ازاد کارگری امکان پذیر است و هیچ توهمی نیست آنکه دچار توهم شده شما هستید آقای حکیمی که این همه شرایط مطلوبی را که سندیکای شرکت واحد درست ترین شرایط موجود حاکم درست کرده نمی بینید که تماماً با سند موجود است. ما قضاوت را به کسانی میسپاریم که همچنان با ایستادگی و پرداخت هزینه در بهبود شرایط کار تلاش میکنند. حالا شما به ما بگویید در این نظام خواب و خیال است ولی دستیابی آن را به تقدیر نمی سپاریم برای اش مبارزه میکنیم .

خوب حالا شما و دیگرانی که در زندگی واقعیاشان کوچکترین ربطی به جنبش کارگری ندارند به مابگویند ما رفرمیست هستیم ما میگوییم انقلاب پیشکش اتان همین کارهای کوچک را هم نمیتوانید انجام دهید. دوست عزیز امروز لغت رفرمیست فحش شده است برای ادا کنندگانش. شما به ما بگویید که در محیط کارتان در حال کدام انقلاب مداوم هستید. این برخوردها از تنبلی سیاسی است. والا امروز اگر واقعاً دلتان برای این مبارزه میتپید میدانستید که در این شوره زار جهانی سرمایه هر کاری برای بهتر شدن وضع کارگران مثبت است. کارگر معمولاً در محیط کارش به آدمهای اعتماد میکند که بتواند به آنها ثابت کنند که جدی، مسئول است. به قول معروف ناخدای کشتی آخرین نفری است که کشتی را در حین غرق شدن ترک میکند ولی متأسفانه بسیاری از ناخداهای جنبش کارگری چه در ایران و چه در خارج زودتر از هر کسی صحنه را ترک کرده اند و فقط در اتاقهای اشان و در خلوتشان به این مبارزه اشان ادامه میدهند.

در آخر شما از شورای کارگری نام میبرید ولی هیچ وجود و حضوری ما ندیده ایم و فقط در حد همان صحبت در سایت و کاغذ است ولی سندیکای شرکت واحد و دیگر نهادهای که مبارزه در هر عرصه برای زندگی بهتر برای کارگران فعالیت میکنند همچنان زنده هستند و محکم بروی خواسته های خود اسرار دارد و اگر اینطور نبود امروز بسیاری از واحدهای کارگری منجمله نیشکر هفت تبه و کامینوداران در اهواز به تشکیل سندیکا اقدام نمی کردند و آقای حکیمی یادت باشد که در تمام دنیا اتحادیه های کارگری از مبارزات کارگران ایران و سندیکای شرکت واحد دفاع کردند و روزگاری کسی در ایران جرات نداشت اسمی از سندیکا به زبان بیاورد و این ازادی را مدیون مبارزه همه و در نهاد ما اعضای هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد و فعالین سندیکائی بخصوص منصور اسالو هستیم و در آخر بگویم که این حرفهای نا امید کننده شما هرگز روحیه امیدواری را در ما از بین نخواند برد به امید تشکیل سندیکاها در تمام صنوف.

داوود رضوی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد - شهریور ۸۷